

به کارگیری دانش بومی در فرآیند توسعه پایدار

محمدحسین عمادی^۱، اسفندیار عباسی^۲

مقدمه

انتشار کتاب **حکمت دیرین در عصر نوین** (جلد نخست، بهار سال ۱۳۷۸) سرآغاز فعالیت‌های اولیه تحقیقاتی متنوعی از سوی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی بود. فعالیت‌های متعددی در چهار سال گذشته در این راستا انجام شده است که می‌توان به تأسیس اولین ایستگاه تحقیقات دانش بومی، طراحی بانک اطلاعاتی دانش بومی ایران، راه‌اندازی اولین پایگاه اینترنتی دانش بومی در ایران، انتشار چهار شماره نشریه تخصصی دانش بومی کشور (گاهنامه **دانش بومی و توسعه**)، برگزاری چندین کارگاه آموزشی و ارائه مقاله در شش سمینار بین‌المللی اشاره نمود. اقدام‌ها و تحولات فوق باعث تنوع هر چه بیشتر مطالب شده است. تجربه‌های عملی به دست آمده در طی پنج سال گذشته و تحولات چشمگیر بین‌المللی در این حوزه به غنای این کتاب افزوده است. همان‌طور که در مقدمه کتاب یادشده آمد، هدف از انتشار مجموعه **حکمت دیرین در عصر نوین**، معرفی دانش بومی و مطرح ساختن استعدادها و این رشته پژوهشی و کاربردی به دانشگاهیان، کارشناسان و سیاست‌گذاران کشور است. به این منظور، آن کتاب به معرفی مبانی و مفاهیم اصلی این رشته و باورهای حاکم بر آن اختصاص داده شد. در مقالات آن کتاب دو سؤال اساسی از سوی نویسندگان داخلی و خارجی مطرح گردید:

^۱ - دکترای سیستم‌های کشاورزی و توسعه روستایی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی و مجری طرح ملی دانش بومی

^۲ - محقق و پژوهشگر، و همکار اصلی طرح ملی دانش بومی

۱- چرا شناخت و کاربرد دانش بومی ضروری است ؟

۲- چرا تاکنون نسبت به آن بی‌توجهی شده است ؟

به لحاظ گستردگی و حیطة دانش بومی ، ارائه مقالاتی درباره نمونه‌های کاربردی دانش بومی در طرح‌های توسعه ، شناخت‌شناسی سنتی و روش‌شناسی تحقیقاتی دانش بومی به انتشار جلد‌های بعدی موکول شد . برای تسهیل کار دانشگاهیان و محققان علاقه‌مند به دانش بومی و همچنین برای اطلاع‌رسانی مستند و بهنگام به کارشناسان و سیاست‌گذاران کشور در مورد کارایی و مزایای گنجاندن دانش بومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه ، کتاب حاضر به معرفی کاربردهای نتیجه‌بخش دانش بومی در توسعه اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی اختصاص یافته است . بدین منظور ، در مجموع نُه مقاله تألیفی و ترجمه‌ای ، گردآوری و برای چاپ آماده شد . در انتخاب مقالات تنوع موضوعی و نزدیکی بحث‌ها و نیازها و مسائل توسعه پایدار در ایران در نظر گرفته شد . پژوهش در زمینه دانش بومی تاکنون به دو صورت انجام شده است . یک روش موسوم به «روش جایگزین» است که تلاش می‌کند با مطالعه موارد خاصی از کاربرد دانش بومی مشکلاتی خاص را در زمینه‌های مختلف توسعه پاسخگو باشد . برای مثال پژوهشگری که جویای روش‌های سنتی مبارزه با آفات گیاهی و یا دامی است ، می‌کوشد تا جایگزینی مناسب برای روش‌های پرهزینه و زیانبار شیمیایی (از نظر زیست‌محیطی و بهداشتی) بیابد . در این گونه از تحقیقات ، گردآوری و بهره‌برداری از دانش یک جامعه محلی لزوماً به بهبود شرایط زندگی و توسعه محلی آن جامعه منجر نمی‌شود . به رغم این نقص جدی ، مزیت «روش جایگزین» این است که به تدریج مجموعه‌ای غنی و متنوع از راهکارهای طبیعی را برای رفع یک مسئله خاص برای کارشناسان و محققان علوم کاربردی (مثل زراعت ، باغداری ، طب و دامپزشکی) فراهم می‌آورد . روش دیگر پژوهش و کاربرد دانش بومی ، «روش مشارکتی و عملی» است . در این روش ، ضمن پژوهش و مستندسازی دانش بومی یک منطقه ، سعی می‌شود که دانش بومی گردآوری شده در راستای توسعه محلی جوامع آن منطقه مورد بهره‌برداری قرار گیرد . استفاده مؤثر از روش مشارکتی و عملی مستلزم مشارکت اهالی محل از یک سو و

همکاری و هماهنگی سیاست‌گذاران، کارشناسان و فعالان سازمان‌های دولتی از سوی دیگر است. مزیت «روش مشارکتی و عملی» این است که علاوه بر گردآوری دانش بومی یک سرزمین، جامعه‌ای که به آن دانش بومی موجودیت بخشیده است نیز احیا و ایفا می‌شود.

در دهه اخیر، استفاده از یافته‌های دانش بومی موجب شکل‌گیری آرای جدید و ایجاد تحول در بینش و باورها گردیده است. این پدیده را می‌توان تحول در بینش و باورها نام گذاشت. همان‌طور که در جلد یک مفصلاً بحث شد، دانش بومی آراسته به بینش، «کل‌نگر» است. این بینش به تنهایی موجب تحولی بنیادی در تفکر اندیشمندان غربی در زمینه تعلیم و تربیت، ترویج و توسعه و نیز شناخت‌شناسی علمی شده است. در این جلد از مجموعه حکمت دیرین در عصر نوین تلاش شد تا مطالبی از هر سه شیوه‌کاربست دانش بومی ارائه شود. در بخش نخست، نمونه‌هایی از پژوهش و کاربرد جایگزین دانش بومی مطرح شده است. در مقاله نخست با عنوان «آفت‌کش‌های طبیعی» از سلیم احمد و گبی استول، انواع راهبردهای کلی مبارزه طبیعی با آفات از جمله کشاورزی ارگانیک، کنترل زیستی و مدیریت تلفیقی آفات و نیز روش‌های خاص مبارزه با آفات با استفاده از گیاهان کنترل‌کننده آفات از دیدگاه علمی بررسی شده است که نویسندگان در آن برای آغاز آزمایش‌های علمی گسترده جهت شناخت بهتر روش‌های موجود و کشف روش‌های جدید مبارزه طبیعی با آفات نباتی، دو روش قابل توجه را ارائه می‌کنند. روش اول جستجو برای یافتن سرنخ‌های پژوهشی در کتب قدیمی قرون گذشته و روش‌های پیشینیان برای مبارزه با آفات نباتی است و روش دوم انجام آزمایش‌های علمی با عصاره گیاهان مختلف به صورت اسپری در دفع آفات گیاهان دیگر است. نویسندگان معتقدند که از این طریق می‌توان به تعداد وسیعی از روش‌های گیاهی مبارزه با آفات دست یافت. در این مقاله همچنین به جنبه‌های توسعه‌ای و کاربردی دانش بومی و نیز به موضوع تجاری کردن دانش مبارزه طبیعی با آفات اشاره شده است. بر طبق این مقاله، بیش از ۲۴۰۰ گونه گیاهی در سراسر جهان شناسایی شده است که از خواص کنترل آفات برخوردارند. همچنین در این مقاله تعدادی از مهم‌ترین

گونه‌های مذکور و آفاتی که این گونه‌ها در کنترل آنها مؤثرند در قالب جدول ارائه شده است .

در مقاله دوم «بهداشت دام» به دامپزشکی بومی به عنوان مجموعه‌ای از باورها ، هنجارها و فنون و مهارت‌هایی که برای پیشگیری و درمان امراض استفاده می‌شود اشاره شده است . نویسندگان مقاله «اولین متاپس» و «کنستانس مک‌کورکل» سعی دارند از نظر علم تجربی معتبر بودن این فنون را با در نظر گرفتن محیط فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار دهند . مفاد و محتوای مقاله نشان می‌دهد که واکسن‌های سنتی که صدها سال پیش مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند از نظر علم امروز ، در مبارزه با برخی بیماری‌ها مؤثر هستند . همچنین تنوع درمان‌ها و داروهای سنتی و موارد استفاده دامداران بومی در کشورهای آسیایی و آفریقایی از آنها حاکی از عمق اطلاعات و آگاهی آنان و دامنه تأثیرگذاری برخی داروهای دامی (تا ۸۰ درصد) است . موارد و مصادیق متعدد و شگفت‌آوری که در این مقاله از دامپزشکی بومی جهان ذکر شده است هر کدام به نوبه خود جای تعمق و تفکر بسیار دارد . در این مقاله همچنین نکات مهمی درباره شناخت و داوری در زمینه تأثیر دامپزشکی بومی آمده است که می‌تواند راهنمای محققان دامپزشکی و دانش بومی قرار گیرد .

در بخش دوم ، سه نمونه از کاربرد دانش بومی در طرح‌های تحقیقاتی مشارکتی و عملی آورده شده است . در مقاله توماس پرایس با عنوان «کاربرد دانش محلی در مدیریت طرح شیلات رودخانه نیجر» بهره‌گیری از دانش بومی مردم و ماهیگیران محلی کشور نیجر مطرح شده است . در این طرح که با مدیریت سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو)^۱ و برنامه عمران سازمان ملل متحد^۲ از سال ۱۹۸۳ آغاز شده است ، هدف آن است که تخریب منابع ماهیگیری رودخانه نیجر که ناشی از به‌کارگیری روش‌های نامطلوب و ناپایدار ماهیگیری غربی است جبران شود . به رغم روش متداول اجرای طرح‌های مشابه آن زمان ، طرح حاضر با فراخواندن رهبران محلی و خبرگان

^۱ 1. The United Nations Food and Agriculture Organization/FAO

^۲ ۲. UNDP/The United Nations Development Programme

بومی ماهیگیر برای مشارکت فکری و اجرایی در طرح آغاز شد .
اطلاعات به دست آمده از منابع محلی با یافته‌های تحقیقات زیست‌شناختی و
ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کارشناسان طرح تکمیل شد . آنچه از تلفیق این دو
دسته از یافته‌ها به دست آمد ، اساس پیشنهادهای متخصصان به مدیران اجرایی طرح را
فراهم آورد . به باور پرایس ، بهره‌گیری از دانش غنی و همه‌جانبه ماهیگیران محلی بر
موفقیت این طرح تأثیر مستقیم داشته است به گونه‌ای که اولاً با استفاده از منابع محلی ،
مقادیر عظیمی از اطلاعات موردنیاز مجریان به سهولت تأمین شد و ثانياً مشارکت مردم
محلی احساس مالکیت و شوق ادامه و اداره طرح را در میان بومیان ایجاد کرد ، به طوری
که زمینه مساعد برای تحویل طرح به مردم و اداره خودگردان آن فراهم شد .
در مقاله «نقش دانش بومی در فرآیند توسعه محلی : درس‌هایی از یک تجربه
میدانی» ، محمدحسین عمادی و اسفندیار عباسی از چگونگی و جزئیات کاربرد دانش
بومی یک منطقه در پیشبرد توسعه درون‌زای یک روستا خبر می‌دهند . در طرح توسعه
محلی روستای خورده (استان مرکزی ، شهرستان محلات) طی یک فرآیند تحقیقاتی
مشارکتی و عملی نمونه‌هایی از دانش بومی با مشارکت اهالی در راستای ایجاد کار ،
افزایش درآمد و بهبود تغذیه و بهداشت اهالی و در نتیجه ایجاد امید برای آینده روستا به
کار برده شده است . این طرح مشارکتی که در مدت سه سال (شهریور ۱۳۷۷ تا شهریور
۱۳۸۰) انجام شد حاوی درس‌های متعددی برای محققان و برنامه‌ریزان توسعه کشور
است . مثلاً اینکه در ترویج و توسعه روستایی، با جلب همکاری و مشارکت مردم و
استفاده از استعدادها و دانش محلی می‌توان به نتایج مطلوب‌تری (در مقایسه با ترویج
سستی از بالا به پایین) دست یافت. دیگر آنکه عدم هماهنگی بین ادارات دولتی از جمله
موانع جدی در توسعه محلی است. به بیان دیگر، تلاش همزمان با همسو کردن و
برنامه‌ریزی مشارکتی سازمان‌های مختلف دولتی از نیازهای جدی پیشبرد توسعه محلی
است.^۱

مقاله «بازآفرینی پانچایات و استفاده از جال سامیتی در اوتارپرادش» چگونگی

^۱ - برای گزارش مفصل‌تر و به‌روزتر از تحولات توسعه محلی خورده در ایجاد اشتغال با استفاده از
دانش بومی نگاه کنید به عمادی و عباسی ، ۱۳۸۱ .

بهره‌برداری برنامه‌ریزان توسعه در ایالت اوتارپرادش کشور هند از تشکلی باستانی را توصیف می‌کند. یوگش کومار با توضیح چگونگی احیای سازمانی محلی به نام «پانچایات» در بهره‌برداری مشارکتی مردم از منابع آب آشامیدنی در اوتارپرادش نشان می‌دهد که برای رسیدن به موفقیت در ایجاد خودکفایی و توسعه پایدار راه‌حل‌های توسعه باید ترکیبی مناسب از راهکارهای فناورانه، اداری و اجتماعی باشد. چنانکه در این مقاله تشریح شده است، حتی اگر فناوری موردنظر به سادگی پمپ دستی آب باشد، بی‌توجهی به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی جنبه‌های فنی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌تواند یک طرح توسعه را با دشواری و شکست روبرو سازد. در این طرح، از سابقه تشکل کهن پانچایات برای ایجاد سازمان‌های جدید محلی برای هدف‌های خاص بهره گرفته شده است. «جال سامیتی» (به معنی کمیته آب) یکی از این تشکل‌هاست که در طرح‌های تأمین آب آشامیدنی ایجاد مشارکت در میان اهالی را تسهیل کرده است. بخش سوم کتاب به تحول باوری و بینشی حاصل از مطالعات دانش بومی اختصاص یافته است. ویژگی‌های روش‌شناسی دانش بومی که تجربه‌مدار و کل‌نگر است می‌تواند منشأ روش‌های نوآورانه مؤثری برای بررسی مسائل امروزی و برنامه‌ریزی توسعه باشد.

مقاله «دگرگونی اندیشه در جهان» حاوی آخرین تحولات فرهنگی و اجتماعی جهان است که به نحوی از یافته‌های دانش بومی متأثر است. اسفندیار عباسی در این مقاله از کاربرد دانش بومی در تعلیم و تربیت نوین خبر می‌دهد. همچنین، دانش بومی در بنیان‌گذاری جوامعی جدید به نام «دهکده‌های سالم» که به صورت نهضتی جهانی به سرعت رو به رشد است نیز موثر بوده است. دیگر اینکه، تأثیر دانش بومی در عرصه فرهنگ جهان، تغییراتی را نیز در شناخت‌شناسی مدرن به وجود آورده است. این شناخت‌شناسی جدید به ویژه در علوم پزشکی، افق‌های جدیدی در تحقیقات علمی گشوده است. با توجه به شواهدی که پیرامون نقش موثر ذهن در طب سنتی گردآوری شده است، شاهد گسترش مطالعات روان‌شناختی در مورد استعداد‌های ذهن و ضمیر آدمی و تلاش برای پرورش استعداد‌های «ذوقی» بشر برای تشویق نوآوری در حل

مسائل توسعه هستیم. خلاصه اینکه، تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از پژوهش دانش بومی نه تنها حاکی از پذیرش تدریجی (اما قطعی) میراث معرفتی کهن بشر در محافل علمی است، بلکه نفوذ عمیق و درازمدت بینش «کل نگر» دانش بومی در فرهنگ و جامعه بشری آینده را نیز نوید می‌دهد.

در مقاله «تلفیق دانش بومی و دانش رسمی؛ ضرورت دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی» از محمدحسین عمادی و امیری اردکانی، نویسندگان با بیان ویژگیهای دانش بومی و دانش نوین و مقایسه آنها با یکدیگر سعی نموده‌اند ریشه‌های مشترک این دو دانش را که در خرد جمعی و هوشمندی انسان ریشه دارد بیان نمایند و بنا به دلایل متعدد این دو دانش را برای دستیابی به توسعه پایدار مکمل یکدیگر بدانند. آنها معتقدند که «دانش بومی» به منظور تکمیل «دانش رسمی» از قابلیت‌های زیادی برخوردار است؛ به عبارت دیگر، دانش بومی به اعتبار دانش رسمی موجب افزایش عرضه فناوری‌های مناسب می‌شود و بدون شک، تلفیق دانش بومی و دانش رسمی به کاربرد پایدار فناوری‌ها نیز کمک خواهد کرد. نویسندگان تفاوت روش‌شناسی و شناخت‌شناسی موجود بین دانش بومی و دانش رسمی را دسته‌بندی و مقایسه نموده‌اند و تأکید می‌کنند که هیچ نوع تقابلی بین دانش بومی و دانش رسمی وجود ندارد بلکه این دو از بُعد روش‌شناسی و معرفت‌شناسی مکمل یکدیگر هستند. نویسندگان مقاله معتقدند به منظور تسهیل فرآیند تلفیق دانش بومی و دانش رسمی لازم است تحولاتی صورت پذیرد که به برخی از آنها می‌توان به شرح زیر اشاره نمود.

اصلاح باور حاکم در بین اقشار تحصیل کرده و دانشگاهی نسبت به بومیان و دانش آنها، پیش شرط هر گونه نزدیکی، تعامل و تلفیق است. تحول در نظام آموزش‌های رسمی به منظور توجه به حوزه دانش تجربی و میدانی که حاصل قرن‌ها آزمون علمی است، از ضرورت‌های اصلی این تلفیق به شمار می‌رود. توجه به «خرد تجربی انباشته و تاریخی بهره‌برداران» توسط پژوهشگران از طریق به‌کارگیری متدولوژی‌های مشارکتی، کیفی و میدانی از دیگر ملزومات این تحول است. به‌کارگیری شیوه‌های دوسویه ترویجی و تحول در نظام ارتباطات میان مراکز دولتی، آموزشی و ترویجی با کشاورزان و

روستاییان به نحوی که آنها در تعامل با هم قرار گیرند، از ضرورت‌های دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی است.

مقاله «راهکارهایی برای گنجاندن دانش بومی در ترویج کشاورزی» از ب. راجسکاران و دیگران، دستیابی به چاره‌جویی مفهومی و کاربردی برای بهره‌برداری از دانش بومی در فرآیند ترویج کشاورزی را دنبال می‌کند. نویسندگان مقاله معتقدند که دانش بومی در تحولات فنی بخش کشاورزی تا قبل از دوران صنعتی نقش اصلی را بر عهده داشته است و کماکان نیز موتور تحولات در فرآیند بهره‌برداری کشاورزی تلقی می‌شود. نویسندگان اذعان می‌کنند که گروهی از کشاورزان همواره در حال انجام آزمایش و نوآوری برای حل مسائل و افزایش بهره‌وری‌اند. مروجان و برنامه‌ریزان ترویجی باید این دسته از کشاورزان آزمایشگر را شناسایی کنند و با ایجاد رابطه مستمر با آنها، به بررسی علمی روش‌ها و دستاوردهای آنها و نیز ترویج یافته‌های آنان بپردازند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی با حضور کشاورزان آزمایشگر و اشاعه یافته‌های موفق آنها به دیگر کشاورزان و پژوهشگران کشاورزی از طریق پرسش و پاسخ، نهایتاً به پذیرش نوآوری توسط دیگر کشاورزان خواهد انجامید و زمینه‌ساز تحقیقات بلندمدت از سوی مراکز پژوهشی خواهد شد. به باور نویسندگان، تلفیق دانش بومی با فعالیت‌های ترویجی زمینه مساعد را برای ترمیم شکاف موجود بین کارشناسان و بهره‌برداران بومی فراهم خواهد کرد.

مقاله پایانی کتاب، «قنات و نیازهای توسعه در قرن بیست و یکم: دانش بومی در بوته آزمایش»، نگاهی متفاوت به دانش بومی ایران دارد. جنبه‌های فنی قنات به طور گسترده و با ذکر جزئیات، در منابع داخلی و خارجی آمده است. اما با وجود تمامی مزایایی که برای قنات (در مقایسه با چاه عمیق و نیمه عمیق) ذکر شده است کماکان شاهد ادامه حفر چاه‌های عمیق و در نتیجه خشک شدن قنات‌های کهن ایران هستیم. در این مقاله، اسفندیار عباسی با ارجاع به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قنات و با استفاده از معیارهای بین‌المللی برای آزمون «پایداری» فناوری‌های جدید نگاهی منتقدانه به قنات و نیز به تلاش‌های ناموفق برای احیای آن می‌افکند. در این بررسی

تحلیلی، نقاط ضعف تلاش‌های صرفاً فنی گذشته برای احیای این دانش بومی بیان می‌شود و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی این امر خطیر به عنوان چالشی ملی مطرح می‌گردد. کارشناسان و سیاست‌گذاران و دیگر علاقه‌مندان به توسعه روستایی و توسعه منابع آب کشور می‌توانند از راهکارهای ارائه شده در این مقاله بهره‌گیرند.

جای امیدواری است که جلد نخست این مجموعه مورد توجه و نقد تعداد قابل توجهی از استادان و صاحب‌نظران قرار گرفت. دیدگاه این افراد در مورد شیوه ارائه مطالب در جلد دوم آورده شده است که مطمئناً جلد دوم را از جلد اول مفیدتر و خواندنی‌تر می‌کند. در میان نظرات ارائه شده همچنین انتقاداتی به خود دانش بومی به چشم می‌خورد که حاکی از عدم باور به توانایی، کارایی و سودمندی دانش بومی جوامع در عصر مدرن است. امید است که مثال‌های کاربردی ارائه شده در جلد حاضر بتواند تا حدی از این ابهامات بکاهد و کارایی، جایگاه و استعداد میراث معرفتی سرزمین ما را در نظر کارشناسان و سیاست‌گذاران ایرانی روشن‌تر سازد.

بارزترین وجوه دانش بومی سرزمین ما (و بسیاری دیگر از مناطق جهان) میزان شگفت‌انگیز «تلاش» نسل‌های گذشته در «نوآوری» است. با توجه به مسائل پیچیده اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی دوران حاضر (در سطح محلی، ملی و بین‌المللی) به جرأت می‌توان گفت که «تلاش» و «نوآوری»، امروز نیز کلیدواژه‌های دستیابی به توسعه پایدار جوامع (و بقای نسل بشر و دیگر موجودات ساکن کره زمین) محسوب می‌شوند. با توجه به متون منتشر شده توسط کارشناسان و صاحب‌نظران بین‌المللی توسعه در دو دهه اخیر (نگاه کنید به کتاب **حکمت دیرین در عصر نوین** و مقاله «دگرگونی ارزش‌ها و نگرش...» همین جلد) درس مهمی که از توسعه جهانی در قرن بیستم می‌توان گرفت این حقیقت است که صرفاً تفکر و توسعه صنعتی راه مطلوبی برای دستیابی به دنیایی بهتر نیست. رفاهی که توسعه صنعتی برای کشورهای «پیشرفته» (و دیگر کشورهای دنباله‌رو) به ارمغان آورده است متأسفانه نه تنها موجب رشد معنوی این جوامع و استقرار و گسترش صلح و آرامش بین‌المللی نشده بلکه به تخریب شدید محیط زیست و سیستم‌های حیاتبخش کره زمین نیز انجامیده است. پژوهش دانش بومی

دقیقا واکنشی است به بن‌بست‌هایی که توسعه صنعتی برای جامعه بشری به وجود آورده است. لذا در بررسی منتقدانه مطالبی که در مورد دانش بومی مطالعه می‌کنیم، همواره این موضوع باید مدنظر قرار گیرد که اگر پژوهش و کاربرد دانش بومی راهکاری موجه و معتبر نیست، پس باید «تلاش» کنیم تا «نوآوری» در حل مسائل موجود را از راه دیگری بجوییم. آن راه چیست؟ به بیان دیگر، اگر نوآوری و چاره‌جویی در رفع مشکلات توسعه، امروز از راه ایجاد توازن و اعتدال بین «تکنولوژی و بینش مدرن» از یک سو و «فناوری و دیدگاه سنتی» از سوی دیگر، قابل حصول نباشد، پس چگونه باید به حل مسائل کنونی جامعه خود پردازیم؟

انتقاداتی که در مورد دانش بومی و کاربرد آن در توسعه پایدار مطرح می‌شود زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که در مقابل آنچه مورد ایراد است، پیشنهادهایی مفید و عملی ارائه شود. بی‌شک، مشارکت فکری در این مورد افق‌های جدیدی در حل مسائل توسعه کشور خواهد گشود. اگر این کتاب همانند حکمت دیرین در عصر نوین، تنها بتواند انگیزه‌ای برای تداوم این همفکری در میان اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه کشور ایجاد کند، تلاشی که تاکنون برای گردآوری و انتشار این مجموعه مقدماتی و ناچیز انجام گرفته به نتیجه مطلوب خود رسیده است.

منابع

- عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸). «توسعه مردم‌شناسی، مردم‌شناسی توسعه: پژوهش و کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار» *نمایه پژوهش*، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان، صص ۴۱-۳۱ و ۱۳۲-۱۳۰.
- عمادی، محمدحسین و اسفندیار عباسی (۱۳۸۱). «کارآفرینی در روستا با بهره‌گیری از امکانات محلی» *ماهنامه جهاد*، شماره ۱-۲۵۰ خرداد و تیر ۱۳۸۱ صص ۱۳-۶.
- عمادی، محمدحسین و محمد امیری اردکانی (۱۳۸۱). «تلفیق دانش بومی و دانش رسمی؛ ضرورت دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*.